

پای درد دل جانبازان قطع نخاع اصفهان

برخی هتل های مشهد ما را راه نمی دهند!

دیدنشان، خود زیارت است، زیارت ایثار، انتظار و صبر. آسایشگاهشان زیارتگاهی است بی مناره و مقبره، بی نذر و نیاز و حتی بی دخیل. جانبازان قطع نخاع اما زیارتگاهی می شناسند بسیار مقدس تر. آن ها که بوی کربلا می دهند و عطر مضجع شریف ابا عبد... الحسین (ع) سال هاست که انتظار زیارت حرم آقا امام رضا (ع) را می کشند و هر از گاهی اگر شانس یارشان باشد قسمت می شود این سفر روحانی و می گویند: «سرانجام آقا طلبید». اما چه درد آور است که آقا بطلید اما مسئولان روی خوش نشان ندهند. باورش سخت است و دردناک ولی یکی از بزرگ ترین دغدغه های جانبازان قطع نخاع همین است. آن ها می گویند در اردوهای تفریحی شمال نیز همین مشکل را دارند؛ عدم مناسب سازی تفریح گاه ها، هتل ها و شهرها برای معلولان. در سفرهای تفریحی به هر روی تاب می آورند و دم نمی زنند، ولی در سفر به مشهد مقدس انتظاری دیگر دارند. «رضا خطابخشی» جانباز قطع نخاع در این باره می گوید: جانبازان و اصولاً رزمندگان دفاع مقدس صبورترین و کم توقع ترین افراد هستند. برای ما فقط یک خوابگاه و یک دستشویی مناسب وجود داشته باشد دیگر هیچ چیز نمی خواهیم. ولی متأسفانه در سفر به مشهد از همین امکانات اولیه هم محروم هستیم. وی اضافه می کند: اینجابه ما توصیه می کنند که در سفر به مشهد به هتل... بروید ولی وقتی به این هتل مجهز که از نظر مسافت نیز برای ما که روی ویلچر هستیم، هتل مناسبی است، می رویم از پذیرش ما سرباز می زنند. آن هم به این دلیل که چرخ های اتاق های هتل را خراب می کند. دوستان و جانبازان دیگر هم بارها به این هتل و هتل های اطراف رفته اند و همین پاسخ ها را شنیده اند. شما که از مشهد آمده ای از مسئولان بپرسید آیا این درست است؟ چرا هتل ها از پذیرش جانبازان امتناع می کنند؟ چرا ما باید در نهایت یا در کمپ ها اقامت کنیم یا اتاق هایی اجاره کنیم که اصلاً شرایط خوبی ندارند؟ «حمیدرضا شجاع» دیگر جانباز قطع نخاع نیز می گوید: برای هر کدام از ما بارها پیش آمده است که چندین روز دستشویی خود را نگه داشته ایم و هیچ کجا یا امکانات مناسب وجود نداشته و یا ما را راه نداده اند تا آن که در خیابان، خودرو یا در حضور خانواده خود را خراب کرده ایم. نمی دانم پاسخ این شرمساری ما را چه کسانی باید بدهند. خیلی دلم می خواهد بگویم شما نباید شرمسار باشید، شرمساری برای کسانی است که شما را نادیده می گیرند. اما از نمک پاشیدن بر زخمش چه سود؟ سکوت می کنم و می شنوم. یکی از جانبازان در بازگشت از سفر به مشهد به دلیل آن که ۱۰ روز دستشویی نکرده بود دچار عارضه کلیه می شود و... همین مشکلات به ظاهر کوچک و صدا البته قابل رفع باعث شده است که جانبازان درون گرا شوند و بیشتر به نشست های درون گروهی و خانوادگی و اردوهای گروهی با خانواده هایشان روی آورند ولی ظاهراً این اردوها نیز چند سال است که به دلیل کمبود بودجه تعطیل شده است. قصد خروج که دارم، جانبازی چرخش را کنار می رساند و می گوید: آقای خبرنگار! مردم خوبند، مردم خیلی خوبی، حتی آن ها که ما را نادیده می گیرند خوبند ولی اگر ما را نمی بینند، خانواده ما را ببینند. آن ها چه گناهی کرده اند.

